



Journal of Islamic Propagation

Volume 4 ● No 9 ● Spring & Summer 2023

Recognition of Islamic Seminary Propagation Approaches (National and international) in the era of Ayatollah Boroujerdi (1946-1961)

Morteza Gharasban*

Abstract

In the era of occultation, one of the influential elements in the organization of the affairs of the Shiites was the authority of the Shiites that great Shia scholars were in charge of the leadership of Shia in their era. One of the great scholars in the last century was the late Ayatollah Mohammad Hossein Boroujerdi, who played an irreplaceable role in this regard. This Marja' pursued his goals by using various tools to organize the affairs of the Shiites and expand the Shiite culture, and one of these important tools was the matter of propagation. This study is trying to explain the propagation actions of Grand Ayatollah Boroujerdi. The propagation approach of Grand Ayatollah Boroujerdi in the twenties and thirties can be examined in both national and international arenas. In the national arena, Ayatollah Boroujerdi, by reviving the Islamic Seminary of Qom and the institution of authority, sent propagators to all regions of Iran, established scholars in other cities, and created an agency to collect funds, organized the propagation affairs of the Islamic seminaries. In the international arena, while seriously pursuing the idea of the proximity of denominations, he took effective measures to send representatives and propagators to other countries and this support has played an effective role in the continuity and stability of the Shiite minority living in the countries of the world. This study examines the actions of Ayatollah Boroujerdi and analyzes them with documentary method and historical description.

Keywords

Interpersonal skills, intimate relationships, adaptability, successful propagation.

* students of Islamic seminary, Islamic seminary, propagation, Ayatollah Boroujerdi, National propagation, international propagation

بازشناسی رویکردهای تبلیغات حوزوی (داخلی و بین‌المللی)

در عصر آیت‌الله بروجردی (۱۳۲۵-۱۳۴۰ش)

مرتضی غرسبان*

چکیده

در عصر غیبت، یکی از عناصر تأثیرگذار در ساماندهی امور شیعیان، مرجعیت تشیع بوده که بزرگانی از علمای شیعه، زعامت شیعیان را در عصر خود بر عهده گرفتند. یکی از علمای بزرگ در سده اخیر، مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی محمدحسین بروجردی بود که نقش بی‌بدیلی در این خصوص ایفا نمود. مرجعیت، با استفاده از ابزار مختلفی در جهت ساماندهی امور شیعیان و بسط و گسترش فرهنگ تشیع، اهداف خود را دنبال می‌کردند که یکی از این ابزار مهم، امر تبلیغ بود. این تحقیق، در تلاش است که به تبیین اقدامات تبلیغی آیت‌الله العظمی بروجردی بپردازد. رویکرد تبلیغی آیت‌الله العظمی بروجردی در دهه بیست و سی، در دو عرصه داخلی و بین‌المللی، قابل بررسی است. آیت‌الله العظمی بروجردی در عرصه داخلی، با احیای حوزه علمیه قم و نهاد مرجعیت، به اعزام مبلغ به همه مناطق کشور، استقرار علما در سایر شهرها و ایجاد نهاد وکالت در جمع‌آوری وجوهات، به ساماندهی امور تبلیغی حوزه‌های علمیه پرداخت. معظم‌له در عرصه خارجی نیز ضمن پی‌گیری جدی ایده تقریب مذاهب، جهت اعزام نمایندگان و مبلغان به سایر کشورها، اقدامات مؤثری انجام داد و این پشتیبانی، در تداوم و پایداری اقلیت شیعی ساکن کشورهای جهان، نقش مؤثری داشته است. این تحقیق، با روش اسنادی و توصیف تاریخی، به بررسی اقدامات آیت‌الله العظمی بروجردی و تجزیه و تحلیل آن می‌پردازد.

کلیدواژگان: طلاب، حوزه علمیه، تبلیغ، آیت‌الله بروجردی، تبلیغ داخلی، تبلیغ بین‌المللی.

* دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری مدرسی معارف انقلاب اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی: Mgh1534@gmail.com
۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و نکوداشت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری^(ره) تألیف شده است.

مقدمه

یکی از مؤلفه‌های تعامل و شبکه‌سازی شیعیان در روابط خود، عنصر مرجعیت می‌باشد. در سده‌های نخست، شیعیان در قلمرو خلافت اسلامی، اقلیت‌های پراکنده‌ای را تشکیل می‌دادند که همچون جزایر پراکنده، دور از هم و البته با حفظ تعلقات مذهبی، به حیات خود ادامه دادند. در این دوران، به علت فاصله طولانی مناطق شیعه‌نشین و عدم اختراع و گسترش فناوری‌های ارتباطی امروزی، غالباً در رأس هر امت شیعی، یک عالم دینی برجسته به رفع رجوع مسائل شیعیان پرداخته و به‌خصوص تعامل آنان با حکومت را سامان می‌داد؛ تا اینکه به تدریج طی سده‌های اخیر، برخی عوامل از جمله رسمیت تشیع در ایران و به‌ویژه در طی یکی دو سده اخیر، با گسترش فناوری ارتباطی، موانع پیشین برداشته شده و شرایطی پیش آمده که کم‌کم شیعیان به سوی تمرکزگرایی (مرجعیت واحد مذهبی) روی آوردند. آیت‌الله العظمی بروجردی، از اواسط دهه بیست تا اواخر دهه سی، به مدت یک دهه و نیم مرجعیت اعلم شیعیان را به عهده داشت و با نیل ایشان به این مقام، به تدریج مرکزیت مرجعیت، از نجف به قم منتقل شد.

مرجعیت با استفاده از سازوکارهای متعددی، در حمایت از شیعه اقدام می‌کرد؛ به عبارت دیگر، با ایجاد حلقه‌های واسطی نظیر: اعزام و استقرار نماینده، انتخاب یکی از علمای بومی به عنوان نماینده (مرجع مورد نظر) در امور شرعی و جمع‌آوری وجوه شرعی، تأسیس مراکز و نهادهای مذهبی و تبلیغی در تداوم بخشی این تعامل اهتمام می‌ورزید. بر این اساس، عنصر محوری در فعالیت‌های مرجعیت شیعه، امر تبلیغ می‌باشد که زعیم بزرگ شیعه، حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی، یکی از مراجع فعال در این امر است.

این تحقیق، در پاسخ به این سؤال اساسی مطرح می‌گردد که رویکردهای تبلیغی در عصر آیت‌الله العظمی بروجردی در دو عرصه داخلی و خارجی چگونه بوده و چه تأثیراتی را در دنیای اسلام و جهان تشیع بر جای گذاشته است؟ با توجه به این پرسش، در این مقاله اقدامات تبلیغی آیت‌الله العظمی بروجردی در عرصه داخلی و بین‌المللی طی قریب دو دهه بیست و سی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. بایسته است که در این نوشتار، ابتدا مختصری از زندگی آیت‌الله العظمی بروجردی و جایگاه معظم‌له در جهان تشیع نقل گردد و سپس در ادامه، دیدگاه‌ها و روش‌های تبلیغی آیت‌الله العظمی بروجردی، در دو عرصه داخلی و خارجی، مورد بازکاوی قرار گرفته و آثار آن نیز بیان گردد.

با عنایت به پژوهش‌های اسنادی چندی که در مرکز انقلاب اسلامی و مرکز اسناد ریاست جمهوری راجع به آیت‌الله العظمی بروجردی صورت گرفته، از لابه‌لای صدها برگ اسناد و یا خاطرات، گزارش‌های متعددی در مورد جایگاه و نفوذ قلمرو مرجع مذکور در جهان اسلام به دست آمد که بررسی آنها می‌تواند خلأ تبیین رویکرد تبلیغی مرجعیت تشیع در عصر آیت‌الله بروجردی را پُر کند.

مفهوم‌شناسی

۱. مرجعیت

مرجعیت شیعه، یک نهاد هزارساله است. از جمله ویژگی‌های اصلی این نهاد، یکی، پذیرفتن اجتهاد است که شیعه در برابر اهل سنت باب اجتهاد را باز گذاشتند و دیگری، استقلال از حکومت‌هاست. حکومتی نبودن مرجعیت، سبب شده بود که در طول تاریخ هزارساله خود، به عنوان پناهگاه و تکیه‌گاه شیعیان عمل کند و گاهی نیز حرکت‌های مردمی را رهبری نماید؛ به‌خصوص از زمان صفویان، با رسمیت تشیع، نهاد مرجعیت نیز در کنار نهاد سلطنت بیش از پیش شکل گرفت و رویکرد استقلال‌طلبانه آن گسترش پیدا کرد. استقلال آن دو از هم، بعدها تعارضاتی را پیش آورد؛ به طوری که هرگاه علما اقتدار می‌یافتند، نهاد سلطنت تضعیف می‌شد؛ مثل دوره مشروطه، و برعکس، هرگاه سلطان مقتدری بر اریکه قدرت می‌نشست، مرجعیت و علما تضعیف می‌شدند؛ مثل دوره رضاشاه.

مرجعیت در دوران حیات خود، دو دوره قبل و بعد از تمرکز را تجربه کرده است؛ مرجعیت قبل از آنکه به صورت یک نهاد منسجم درآید، دوران طولانی را پشت سر گذاشته که در این دوره، با آغاز غیبت کبری امام مهدی علیه السلام در سال ۳۲۹ق و پذیرش مسؤلیت امور مذهبی شیعیان توسط مجتهدان عصر شروع شد. در این دوره، مرجعیت صورتی پراکنده و ساختاری محلی داشت. هرکس در هر حوزه جغرافیایی که می‌زیست، به مجتهد و فقیه همان جا رجوع می‌نمود و ضمن فراگیری احکام اسلامی، پرداخت‌های شرعی را نیز انجام می‌داد. تا اینکه پس از تسهیل ارتباطات و گسترش فناوری نوین ارتباطی، از قبیل: تلگراف، تلفن و به‌خصوص چاپخانه که امکان چاپ و نشر گسترده رساله‌های عملیه فراهم گردید، گام‌هایی جهت تمرکز اقتدار مرجعیت مجتهد واحد برداشته شد. از این‌رو، به سرعت جایگاه مرجعیت و مناسبات

مردمی آن دگرگون گردید و از چهارچوب منطقه‌ای و محلی، به کشوری و حتی به عنوان یک نهاد متمرکز جهانی (جهان‌شیع) درآمد.

در خصوص اولین فردی که با تمرکز مرجعیت در وی رهبری متمرکز روحانیت و مؤمنان شیعه حاصل شد، سه نظریه وجود دارد. مرحوم دکتر عبدالهادی حائری، معتقد است مرکزیت عام مرجعیت از زمان شیخ محمدحسن نجفی (فوت ۱۲۶۶ق) صاحب جواهر الکلام می‌باشد (حائری، ۱۳۶۴، ص ۸۲).

مرحوم دکتر حمید عنایت، خاطر نشان می‌سازد که از اواسط قرن ۱۹ میلادی شیخ مرتضی انصاری (فوت ۱۲۸۱ق)، یکی از برجسته‌ترین نوایغ فقهی شیعه، رهبری متمرکز را میان علما و روحانیون وقت که تا آن زمان به صورت دسته‌جمعی هدایت می‌شد، باز کرد. پس از آن، این فکر مقبولیت یافت که مجتهد اعلم، سزاوار آن است که مورد تقلید همه شیعیان قرار گیرد؛ به‌گونه‌ای که برتری شیخ انصاری، نه تنها در ایران، بلکه در عثمانی، جهان عرب، هندوستان و دیگر کشورهای اسلامی نیز مورد شناسایی قرار گرفت (عنایت، ۱۳۷۲، ص ۲۷۹) و بالأخره استاد مرتضی مطهری، مقطع تمرکز مرجعیت را یک گام متأخر دانسته و معتقد است، شخصیتی که برای نخستین بار در قرن اخیر ریاست و زعامت کل پیدا کرد و وسایل ارتباطی جدید کمک بزرگی برای توسعه دامنه ریاست و زعامت او شد، مجتهد بزرگ مرحوم حاج میرزا محمدحسین شیرازی (فوت ۱۳۱۲ق) بود. مهم‌ترین عرصه بروز این اقتدار، فتوای ایشان در مورد قرارداد معروف تنباکو (۱۳۰۸-۱۳۰۹ق) که به عقب‌نشینی ناصرالدین شاه و لغو قرارداد انجامید (مطهری، ۱۳۴۱، «مشکل اساسی در سازمان روحانیت»، ص ۱۸۱).

در مجموع، آرای دکتر حائری و استاد مطهری به ترتیب بر اساس رویکرد جامع فقهی صاحب جواهر الکلام و جایگاه سیاسی صاحب فتوای تحریم تنباکو بنا گردیده است. چنین به نظر می‌رسد که اجتماع مورخان، بر آغاز تمرکز مرجعیت شیخ مرتضی انصاری مبتنی می‌باشد (الگار، ۱۳۹۶، ص ۴۲).

۲. تبلیغ

تبلیغ در لغت، به معنای ایصال و رساندن است. تبلیغ با وصول و ایصال، معنای نزدیک دارد و در فارسی، هردو به معنای رساندن و رسیدن به کار می‌رود؛ اما در زبان عربی، ایصال را نمی‌شود

به جای ابلاغ و برعکس به کار برد؛ چون ایصال، رساندن در امر محسوس و مادی است؛ اما ابلاغ و تبلیغ، به معنای رساندن یک فکر یا یک پیام است؛ یعنی در مورد رساندن چیزی به فکر، روح، ضمیر و قلب کسی به کار می‌رود. بنابراین، قرآن کریم ابلاغ و تبلیغ را در مورد رسالت که عبارت از ارسال پیام‌هاست، به کار برده است (موگهی، ۱۳۷۷، ص ۲۲).

قرآن کریم از زبان پیامبران نقل می‌کند: «يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَ نَصَحْتُ لَكُمْ وَ لَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ» (اعراف، آیه ۷۹)؛ ای قوم من! ابلاغ رسالت از خدای خود نمودم و شما را نصیحت کردم؛ لیکن شما به سبب جهل و غرور، ناصحان را دوست نمی‌دارید. «یا در باره پیامبران می‌فرماید: «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ» (مائده، آیه ۹۹)؛ بر پیغمبر، جز تبلیغ احکام الهی [وظیفه‌ای] نیست. «و همچنین فرموده: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (احزاب، آیه ۳۹)؛ آنان که تبلیغ رسالت خدا به خلق کنند و از خدا می‌ترسند و از هیچ‌کس جز خدا نمی‌ترسند.»

۳. حوزه علمیه نجف و قم

حوزه علمیه نجف، با سابقه‌ای هزارساله، طی سده‌های متمادی، یکی از مهم‌ترین مراکز پرورش و آموزش علمای شیعه و اعزام آنها به مناطق شیعه‌نشین کشورهای مسلمان بود؛ اما به تدریج با تضعیف جایگاه حوزه نجف در طول سده اخیر و افزایش موقعیت حوزه علمیه قم، به خصوص در پی رویکرد سیاسی نوین مرجعیت ایران و به قدرت رسیدن روحانیون در این کشور، این مأموریت و مسئولیت تاریخی، به عهده حوزه علمیه قم قرار گرفته است.

بعد از آیات عظام، آخوند خراسانی، محمدکاظم یزدی و مازندرانی، آیات عظام ضیاء عراقی، میرزا حسین نائینی و بالأخره سید ابوالحسن اصفهانی، آخرین نسل از علمای متنفذ حوزه علمیه نجف بودند. اگرچه در تداوم مکتب نجف، آیات عظام: حکیم، خوئی و شاهرودی و امروز نیز آیت‌الله العظمی سیستانی، ایفای نقش کرده و می‌کنند، ولی چنین به نظر می‌رسد که در پی بنیان‌گذاری حوزه علمیه قم از سوی شیخ عبدالکریم حائری، هم‌زمان با به قدرت رسیدن رضاخان، به خصوص با ظهور مرجعیت واحد آیت‌الله العظمی سید محمدحسین طباطبایی بروجردی در دهه‌های بیست و سی، حوزه علمیه قم جایگاه برتری یافت.

۴. آیت‌الله بروجردی

مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی، در سال ۱۲۹۲ق در بروجرد متولد شد و پس از آنکه هشت سال در بروجرد دروس مقدماتی را گذراند، در سال ۱۳۱۰ق، به اصفهان رفت و در حوزه علمیه اصفهان مشغول تحصیل شد. حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله، در حوزه علمیه اصفهان از محضر اساتید بنام و توانمندی مانند مرحوم کلباسی، و در حکمت و فلسفه از مرحوم کاشی و مرحوم جهانگیرخان قشقایی بهره برد. این مرجع بزرگ جهان تشیع، در ۲۸ سالگی، عازم حوزه علمیه نجف شد. با ورود آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله در سال ۱۳۲۰ق به حوزه علمیه نجف، ایشان در درس مرحوم آخوند خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی شرکت کرد و از آنها بهره برد. مرحوم آخوند خراسانی، به دو تن از شاگردان خویش، بیش از دیگران اهتمام داشت که یکی از آنها، مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی و دیگری مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی بود. آخوند خراسانی رحمته‌الله، در بین شاگردان پیش‌بینی کرده بودند که مکتب تشیع در آینده، روی دستان آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله و مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی خواهد بود. آیت‌الله العظمی سید حسین بروجردی، در سال ۱۳۲۹ق به بروجرد برمی‌گردد. ایشان بعد از هشت سال تحصیل در نجف، عزم سفر به بروجرد نمود که البته در مراجعت به زادگاه خود، اجازه‌نامه اجتهادی آخوند خراسانی را به همراه داشت (منظورالأجداد، ۱۳۷۹، ص ۴۰۳-۴۰۴). در این اجازه‌نامه، آخوند برای آیت‌الله بروجردی القابی به کار برده بود که بر «اعلمیت» ایشان صحه می‌گذاشت (احمدی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۳۳). بعد از ۳۳ سال فعالیت در بروجرد، کسالتی به سراغ ایشان می‌آید و مجبور می‌شود برای مداوا به تهران برود در بیمارستانی بستری شود. در دورانی که ایشان در بیمارستان بستری بود، امام خمینی رحمته‌الله، عده‌ای از بزرگان قم را به بیمارستان محلّ مداوای آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله آورد و از ایشان خواست که به قم آمده و حوزه علمیه قم را رونق ببخشد. در سال ۱۳۶۴ق، آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله به قم آمد و ۱۵ سال مرجعیت مطلق جهان تشیع بود. آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله در نهایت، در ۱۰ شوال ۱۳۸۰ق مطابق با ۱۰ فروردین سال ۱۳۴۰ شمسی، رحلت کرد.

جایگاه آیت‌الله بروجردی در جهان تشیع

بعد از زعمای نخست شیعه در دوران بعد از صفویه، مرجعیت شیعه به ترتیب در آیات عظام:

آخوند ملا محمدکاظم خراسانی (فوت ۱۳۲۹ق)، سید محمدکاظم یزدی (۱۳۳۷ق)، میرزا محمدتقی حائری شیرازی (۱۳۳۹ق)، شیخ فتح‌الله شریعت اصفهانی (فوت ۱۳۳۰ق)، سید ابوالحسن موسوی اصفهانی (۱۳۶۷ق) و بالأخره محمدحسین طباطبایی بروجردی (فوت ۱۳۸۰ق/۱۳۴۰ش) تمرکز یافت.

شهرت و آوازه آیت‌الله بروجردی، آن‌چنان گسترش یافت که برخی از بزرگان حوزه علمیه قم، به دیدار ایشان شتافتند و در نهایت، بعد از رحلت آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه قم، در سال ۱۳۱۵ش، جلسه‌ای تشکیل داده و در صدد دعوت از ایشان برای مدیریت حوزه علمیه قم برآمدند که البته این درخواست، بنا به شرایط زمانی، مورد اجابت آیت‌الله قرار نگرفت (احمدی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۸۵). این دعوت، طیّ قریب یک دهه بعد (۱۳۲۳-۱۳۱۵ش)، بارها و بارها تکرار شده است؛ ولی هر بار به دلایلی تحقق نیافت. دکتر مهدی حائری یزدی، فرزند مؤسس حوزه قم، در خاطراتش سفر یکی از هیئت‌ها را که خود نیز به نمایندگی عده‌ای از علمای قم به بروجرد عزیمت نمود، نقل کرده است (لاجوردی، ۱۳۸۲، ص ۶۱-۶۲).

در خلال این تلاش‌ها، آیت‌الله بروجردی دچار بیماری سختی شد که درمان آن، در تهران میسر بود. علمای مذکور از این فرصت به دست آمده سود جسته و طیّ ملاقات‌هایی از ایشان در بیمارستان فیروز آبادی، درخواست خود را مطرح کردند (بُدلا، ۱۳۸۷، ص ۱۴۴-۱۴۶). مراجع ثلاث، یعنی سید محمدتقی خوانساری، سید صدرالدین صدر و سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای نیز به طور ضمنی از این درخواست استقبال کردند. بنا بر قولی از سید احمد خمینی، حاج آقا روح‌الله در آن شب‌ها، گاهی تا پنجاه نامه برای علمای شهرستان‌ها می‌نوشت تا آنان را به دعوت از آیت‌الله بروجردی برای اقامت در قم، ترغیب نماید (خمینی، ۱۳۸۳، ص ۶۰).

در نهایت، این تکاپوها نتیجه داد و آیت‌الله بروجردی در ۲۱ دی ۱۳۲۳ مطابق با ۲۶ محرم ۱۳۶۴ طیّ استقبال باشکوهی وارد قم شد و اداره حوزه علمیه را به عهده گرفت. همه صاحب‌نظران حوزوی معترف‌اند که با آغاز ریاست ایشان، حوزه قوت و تحول نو یافت و فضای نسبتاً باز سیاسی بعد از دوره رضاشاه، زمینه بروز جنبش مذهبی برای احیای حوزه و سایر نهادهای دینی را فراهم کرده بود و از آن طرف، رشد مکاتب کمونیستی و ناسیونالیستی و برخی

نحله‌های تقابل با تشیع، نیاز به این تحول و در نتیجه، افزایش اقتدار مرجعیت واحد مذهبی را دامن می‌زد.

آیت‌الله بروجردی در دوران مرجعیت خود، با تدابیر ویژه‌ای توانست در حوزه داخلی کشور، در ارتباط با نهادهای مذهبی، موفقیت‌های چندی به دست آورد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت در دوران مرجعیت خویش، حدّ اعلای اقتدار و جایگاه معنوی مرجعیت را در ایران به دست آورد؛ چنان‌که به جرئت می‌توان ادعا کرد پیش و بعد از ایشان، به جز امام خمینی، هیچ مرجعی از چنین جایگاه و نفوذ مردمی برخوردار نگردید.

اندیشه تبلیغی آیت‌الله بروجردی

در این بخش، به برخی از دیدگاه‌های تبلیغی آیت‌الله العظمی بروجردی اشاره می‌شود:

۱. رویکرد فرهنگی در نگاه به طلاب و حوزه‌های علمیه

یکی از دیدگاه‌های مهمی که در زندگی آیت‌الله بروجردی پُررنگ است، نوع نگاه وی به مسئله طلاب و حوزه‌های علمیه است. به نظر می‌رسد که رویکرد علمی و فرهنگی در گفتمان آیت‌الله بروجردی نسبت به رویکرد سیاسی، دارای محوریت باشد و شاید بتوان سیاست را جز در موارد لزوم، رویکردی عارضی و حاشیه‌ای در اندیشه وی دانست. آیت‌الله بروجردی بر ضرورت تحصیل علمی دقیق طلاب، همواره تأکید می‌کرد و معتقد بود محیط حوزه علمیه باید محیط علمی ناب باشد و طلاب و حوزویان باید از این فضا بهره بگیرند و حضور در عرصه سیاست را صرفاً به بزرگان حوزه واگذار کنند (لک علی‌آبادی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۱). وی معتقد بود که طلاب جوان باید وقت خود را به تألیف و ترجمه کتاب‌های سودمند اختصاص دهند و در این مسیر، آنها را تشویق می‌کرد. همچنین، ایشان این قشر روحانی را به فراگیری زبان‌های دیگر به منظور تبلیغ در کشورهای غیراسلامی نیز ترغیب می‌نمود (وبگاه خبرگزاری جمهوری اسلامی، کد خبر: ۸۴۲۷۸۵۰۹).

۲. نقش عالم دینی

اگر مبلغان به شهر و روستای دیگری برای امر تبلیغ می‌روند، باید مشی و شیوه رفتاری آنها به گونه‌ای نباشد که ذهنیت مردم آنجا از گذشتگان خود خراب شود و آسیب بینند. وظیفه مبلغ فقط این نیست که برای مردم نماز جماعت بخواند و منبر برود. نقش علمای شیعه با اهل سنت

متفاوت است. علمای شیعه برای مردم پدری می‌کنند؛ یعنی حتی ممکن است فرزندان اسراری را که با پدر و مادر خود در میان نمی‌گذارند، با عالم و امام جماعت محله خود در میان بگذارند. در دعوای خانوادگی که پیش می‌آمد، خانواده‌ها آن را برای عالم محله خود مطرح می‌کردند و از او کمک می‌خواستند. این امر، نشانه اوج اعتماد مردم به عالمان است. مرحوم آیت‌الله بروجردی می‌فرمود: «هرکجا چنین عالمی وجود داشته و برای مردم پدری کرده باشد، مردم آنجا بیشتر به امور دینی اهمیت می‌دهند. هم وجوهات شرعی می‌پردازند، هم در مسجد و نماز جماعت‌ها حضور پیدا می‌کنند و در امور خیر پیش قدم می‌شوند؛ اگرچه آن عالم سال‌ها فوت کرده است» (وبگاه بلاغ، کد خبر: ۷۹۱۱).

۳. توسعه تعلیمات دینی

آیت‌الله بروجردی، لزوم تأکید بر تعلیمات اسلامی را به طلاب محدود نمی‌کرد و معتقد بود تعلیمات دینی باید از سنین پایه به کودکان و دانش‌آموزان آموخته شود و به همین دلیل، در اواخر سال ۱۳۲۵ ش، ایشان به آقای فلسفی پیام داد که شاه را ملاقات کن و بگو همان‌طور که در روزنامه‌ها نوشته‌اند، چون زمینه اجرای لایحه اجباری کردن تعلیمات ابتدایی فراهم شده است، تعالیم دینی را هم در کنار تعلیمات ابتدایی بگنجانند (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، گاه‌شمار زندگی آیت‌الله العظمی بروجردی).

۴. ضرورت وحدت اسلامی

آیت‌الله بروجردی، از جمله علما و مراجعی بود که مسائل جهان اسلام را به صورت جدی دنبال کرده و همواره دغدغه انسجام و وحدت اسلامی را داشت. از این زاویه، باید آیت‌الله بروجردی را جزء مصلحان جهان اسلام تلقی کرد. اندیشه محوری در گفتمان آیت‌الله بروجردی، این بود که در تلاش فکری و عملی خود به این نقطه رسید که تا مسلمانان متحد نباشند و جهان اسلام یکپارچه نشود، هیچ‌گونه اصلاحی در میان مسلمانان به وقوع نخواهد پیوست و مسلمانان روی رستگاری را در بین جوامع بشری نخواهند دید و اینجا بود که اندیشه بنیادین وحدت امت اسلام در گفتمان آیت‌الله بروجردی به عنوان یک اصل بنیادین متبلور شد (وبگاه پژوهشکده تاریخ معاصر، کد مطلب: ۸۰۴۳).

۵. اندیشه تقریب

نکته دیگری که در زندگی آیت‌الله بروجردی مورد توجه بوده، به مبحث تقریب مذاهب اسلامی باز می‌گردد. ایشان به عزاداری سنتی شیعی و برخی علقه‌های شیعیان بسیار وفادار بود و حتی می‌گوید روزگاری چشم ایشان بسیار کم‌سو شده بود و درد می‌کرد. آیت‌الله بروجردی در مراسم «خرّه‌مالی» (مراسمی در روز عاشورا که لرستانی‌ها تربت کربلا را با گلاب به صورت گِل در می‌آورند و تمام بدن خویش را به نشانه عزاداری، گل‌آلود می‌کنند)، مقداری از گِل متبرک به خاک کربلا را بر چشم خود می‌زند و از آن روز تا پایان عمر، به راحتی می‌توانست ببیند و مطالعه کند و هیچ‌گاه به عینک نیازمند نشد. از دیگر سو، از ایشان نقل می‌شود که در برابر اهانت به خلفا و سجده در کنار قبور ائمه علیهم‌السلام واکنش شدید نشان می‌داد و با علمای سنّی الأزهر روابط صمیمانه‌ای داشت.

آقای منتظری در خاطرات خود می‌گوید:

ایشان در برابر کتابی که فقه را به صورت شعر درآورده و در بخشی از آن به خلفا اهانت شده بود، خواستار اصلاح آن کتاب می‌شود و آن را کتاب «ضالّه» می‌نامد و یا در جایی دیگر، آقای بروجردی در برابر سجده یک روحانی در برابر قبر مطهر امام رضا علیه‌السلام معترض می‌شود و آن کار را شرک می‌نامد؛ حتی ایشان در برابر سخنرانی علامه امینی، صاحب‌الغدیر، علیه اهل تسنن در اصفهان واکنش نشان می‌دهد (احمدی، ۱۳۷۹، ص ۲۲۱).

آیت‌الله بروجردی در بحث تقریب، بر اساس یک مبنای نظری عمل می‌کرد که این مبنا باید مورد توجه قرار گیرد. ایشان عقیده داشت که شیعه باید در متن جامعه اسلامی باشد و مطرح هم باشد؛ نه اینکه به صورت یک گروه خاص فکری جدا از مجموعه مسلمانان عمل کند و استناد می‌کرد که ائمه ما با وجود همه ناراحتی‌ها و فشارها، از متن جامعه اسلامی و مرکزیت اسلامی که آن روز مدینه بود، بیرون نرفتند. امام مجتبی علیه‌السلام در مسجد شنیدن بدگویی از پدر بزرگوارشان را تحمل می‌کرد؛ ولی در مدینه باقی ماند؛ همین‌طور امام سجاد علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام. اینها خیلی راحت می‌توانستند به گوشه‌ای از سرزمین اسلامی که طرفدار آنان بودند، مانند یمن بروند و جدای از بقیه زندگی کنند و تعالیم خود را نشر دهند؛ اما چرا نرفتند؟ آنها در مرکزیت جامعه اسلامی ماندند. ما هم به تبعیت از آنان باید در متن جامعه اسلامی باشیم و مطرح بمانیم. برای

این منظور، باید روابط خود را با دیگر مذاهب تعریف کنیم (مدرسی، ۱۳۸۷). مرحوم آقای بروجردی در این مقام می‌فرمود:

«ائمه طاهرين عليهم السلام دارای سه شأن هستند:

۱. «شأن اول»، امامت و ولایت است که این بحث، بحثی است کلامی و ما باید در این مسیر حرکت کنیم؛ چون این بحث، اثبات هویت ما و بلکه هویت اسلام است.
۲. «شأن دوم»، اعتبار قول و حجیت نظر ائمه است که به موجب حدیث ثقلین: «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي، ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا من بعدي» و امثال آن، ثابت است. این حدیث، در بین عامه به صورت متواتر نقل شده است و از نظر بزرگان حدیثی عامه، مورد قبول است. بنابراین، اگر اهل تسنن امامت ائمه را به هر دلیل نپذیرند، مسئله حجیت قول، مبنای گفت‌وگوی ما با آنهاست؛ یعنی در مسئله‌ای که مورد قبول آنها نیز هست. این بحث، بحث اصولی است.
۳. «شأن سوم»، اعتبار نقل سنت نبوی به وسیله آنهاست. سنت پیامبر از نظر اهل تسنن، حجت است و ائمه ما بر اساس بسیاری از روایات که نزد ماست، فرموده‌اند که هرچه ما می‌گوییم، از پیامبر است. اهل تسنن نیز خود سنت پیامبر را از طرق خود نقل می‌کنند. آقای بروجردی می‌فرمود: نقل ائمه از سنت نبوی، نقل ثقه است؛ زیرا در هیچ کتاب رجالی اهل تسنن، اهل بیت رمی به ضعف در نقل نشده‌اند. پس، خبر آنها برای این افراد، حجت است. از سوی دیگر، ایشان می‌فرمود: نقل اهل تسنن از سنت نبوی، در اثر منع از کتابت و تدوین حدیث و یا از بین بردن نوشته، به وسیله خلفای اول و دوم که خود ایشان در مقدمه جامع احادیث الشیعه ذکر فرموده، نقل از حفظ و سینه‌به‌سینه، آن هم توسط پنج نسل حدیثی است؛ زیرا این منع، تنها در زمان عمر بن عبدالعزیز در سال ۱۰۲ هجری برداشته شد و قبل از ۱۵۰ هجری، هیچ جامع حدیثی در اهل تسنن تدوین نشده است و مدت ۱۵۰ سال، مساوی با پنج نسل از نافعان (متوسط عمر هر ناقل، ۳۰ سال) است و نقل سینه‌به‌سینه به وسیله پنج نسل، احتمال خطا و فراموشی را افزایش می‌دهد. پس، احادیث اهل تسنن در احکام، بسیار محدود است؛ در حالی که در میان ائمه ما، کتاب علی عليه السلام در دست بوده است و بر اساس روایات ما، املائی پیامبر صلی الله علیه و آله و کتابت علی بن ابی طالب عليه السلام است؛ یعنی نقل هستند و مکتوب. بنابراین، نقل ائمه از سنت نبوی،

از اطمینان و استحکام بیشتر در نظر آنان باید برخوردار باشد که این بحث، بحث رجالی است. اهل‌تسنن اگر شأن اول را نپذیرند، ناگزیر از پذیرفتن شأن دوم و سوم هستند و ما اگر نتوانیم در شأن اول با آنها تعامل داشته باشیم، در شأن دوم و سوم این تعامل ممکن است (مدرسی، ۱۳۸۷).

آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله در تعریف رابطه صحیح مذهب تشیع و شیعیان با پیروان سایر ادیان و مذاهب، معتقد به تقریب بود؛ یعنی ایشان تقریب را تعریف صحیح رابطه تشیع با دیگر ادیان و مذاهب می‌دانست؛ البته باید گفت که نگاه آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله به تقریب، نه نگاهی تاکتیکی که نگاهی بر اساس مبانی فکری و نظری ایشان بود و به آن اعتقاد داشت. ایشان در کنار اصرار بر تقریب در رابطه شیعه و سنی و یا دیگر ادیان، معتقد بود که امامت ائمه اطهار علیهم‌السلام رکن شیعه و مذهب تشیع است و نباید از آن کوتاه آمد؛ به خصوص در مبحث حجیت قول امامان و اهل‌بیت علیهم‌السلام، بسیار اصرار و تأکید داشت و حتی در مقابله با علمای اهل‌سنت، به این اصل استناد می‌ورزید و حدیث ثقلین را دلیل محکمی برای آن می‌دانست. آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله معتقد بود که حدیث ثقلین، مورد توجه و البته تأیید اهل‌سنت است و به همین دلیل، باید برای اثبات حجیت قول امامان معصوم علیهم‌السلام در مقابل اهل‌سنت به آنها استناد کرد. بنابراین، ایشان در کنار تمام این اعتقادات، معتقد بود که اصل بحث تقریب، کلمه اهل‌بیت علیهم‌السلام است. (وبگاه تقریب، کد مطلب: ۲۷۴۰۹۴).

۶. گفت‌وگو با ادیان

مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی با اشاره به برنامه‌های مرحوم آیت‌الله بروجردی جهت تبلیغ در خارج کشور، فرمود:

تبلیغ دین اسلام و معارف والای اهل‌بیت علیهم‌السلام توسط طلاب در خارج از کشور، از آمال و آرزوهای استاد ما آیت‌الله بروجردی بود که در زمان خود ایشان هم چشمگیر بود و امروز الحمدلله با پیشرفت خوبی همراه شده است. آن مرحوم بارها بر این نکته تأکید داشتند که باید با ادیان الهی دیگر ارتباط داشت و در ضمن این ارتباطها، هدایت‌های قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام را با دلیل و متقن برای آنها بیان کرد (وبگاه خبرگزاری فارس، کد خبر: ۲۲۵۸).

رویکرد تبلیغی آیت‌الله بروجردی در عرصه داخلی

زمانی که آیت‌الله العظمی بروجردی به قم وارد می‌شود، مرجعیت شیعه در نجف اشرف بر عهده آیت‌الله اصفهانی قرار دارد؛ اما پس از رحلت آیت‌الله اصفهانی و همچنین آیت‌الله قمی، عنوان مرجعیت مطلق شیعه، به آیت‌الله بروجردی تعلق می‌گیرد و وی تا سال ۱۳۴۰ که دارفانی را وداع می‌گوید، این عنوان را در اختیار داشت. رویکرد ایشان در عرصه تبلیغ داخلی، شامل بخش‌های مختلفی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف. ایجاد زمینه‌های تبلیغی

آیت‌الله العظمی بروجردی در ایجاد زمینه‌های تبلیغی، به اقدامات مختلفی دست زد؛ از جمله:

۱. سازماندهی روحانیت و تحول در نظام حوزه

اگرچه نخستین گام‌های سازماندهی روحانیت در ایران معاصر، با تأسیس حوزه علمیه قم از سوی آیت‌الله حائری برداشته شد، ولی آیت‌الله بروجردی در دوران ریاست خود بر این حوزه، موفق شد آن را به عنوان مرکز ثقل حوزه‌های کشور ارتقا دهد. ایشان گاهی با اعزام علمای برجسته به حوزه‌های شهرستان‌ها، آنها را تحت حمایت خود قرار داد و گاه نیز به تأسیس مدارس دینی در شهرستان‌ها اهتمام ورزید. در همین راستا، همچنین با اعزام نمایندگانی، زمینه تسهیل در رسیدگی به امور مؤمنان و پاسخگویی به مسائل شرعی آنها را فراهم کرد. این تکاپوها در اقصی نقاط کشور، در ترغیب خانواده‌ها برای تحصیل فرزندان خود در حوزه‌ها و مدارس دینی مؤثر واقع شد و این امر، گسترش مدارس و افزایش تعداد روحانیون را به دنبال آورد. روحانیت به عنوان یک سازمان غیررسمی، در قلمرو جغرافیایی ایران قد علم کرد؛ به گونه‌ای که هر طلبه‌ای به سلک روحانیت در می‌آمد، در واقع، عضویت یک سازمان عظیم با مرکزیت قم و زعامت آیت‌الله بروجردی را می‌پذیرفت. ایشان با اعتقادی که به ضرورت تحول در حوزه داشت، حوزه علمیه قم را نظام‌مند کرد و از سوی دیگر نیز نظام تبلیغات دین و شیوه صحیح آن را تبیین نمود (وبگاه تقریب، کد مطلب: ۲۷۴۰۹۴).

آیت‌الله بروجردی برای شکوفایی استعدادها و نهفته‌های طلاب جوان و تثبیت امر مهم پژوهش در نسل‌های نوظهور، اهمیتی بسیار قائل بود. در حوزه تحت زعامت ایشان، صدها بلکه هزارها طلبه ساعی و سخت‌کوش، مدارج عالی علم و کمال را کسب کردند (وبگاه تاریخ شفاهی ایران، کد مطلب: ۱۱۶۷).

۲. زعامت حوزه نجف و رسیدگی به امور آن

ایشان برای حوزه علمیه نجف، ارزش و قداست خاصی قائل بود و به دنبال مجد و عظمت این میراث کهن و ارزشمند شیعه بود. بنابراین، برای تجدید حیات این حوزه مقدسه، از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کرد؛ حتی شخصیتی مانند آیت‌الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی با کمال افتخار، از شهریه‌ای که آیت‌الله العظمی بروجردی به صورت نان به طلاب نجف پرداخت می‌کرد، می‌گرفت. وقتی برخی از افراد به این کار اعتراض کردند، فرمود: «بگذارید نان آقای بروجردی در سفره ما هم باشد» (وبگاه تاریخ شفاهی ایران، کد مطلب: ۱۱۶۷).

ب. اقدامات تبلیغی

مهم‌ترین اقدامات تبلیغی آیت‌الله العظمی بروجردی، عبارت بودند از:

۱. ایجاد شبکه تبلیغی

آیت‌الله بروجردی، کارهای زیربنایی برای تشکیل سازمان روحانیت انجام داد. یکی از موارد به کارگیری جدّیت از سوی ایشان، برای امر تبلیغ بود. ایشان تبلیغ را در حوزه به صورت اساسی شکل داد؛ چنان‌که طلبه‌ها را وادار می‌کرد در دهه اول محرم، دهه آخر صفر و ماه رمضان، به تبلیغ بروند و در اقصی نقاط ایران پراکنده شوند. این فرهنگ، به گونه‌ای جا افتاد که در این ایام سال، بودن طلبه در قم تعجب‌آور بود؛ حتی آن‌قدر این مسئله عمق یافت که افرادی در حدّ مرجعیت همچون آیت‌الله سید محمد داماد، تبلیغ و منبر رفتن را عیب نمی‌دید (مدرسی، ۱۳۸۷). ایشان تربیت فضلاء، اساتید و طلبه‌ها را به شدت انتظام بخشید و برای کارآموزی، آنان را برای تبلیغ به میان مردم می‌فرستاد. مرحوم آقای بروجردی، توانست یک شبکه گسترده تبلیغی بنا کند؛ به گونه‌ای که پس از رحلت ایشان، این شبکه گسترده عامل انتقال پیام قم به تمام مملکت ایران شد. تلویزیون، رادیو و سایر رسانه‌ها در دست روحانیت نبود؛ اما سؤال این است که از کجا مردم در قضایای انجمن‌های ایالتی و ولایتی و ۱۵ خرداد قم، حرکت کردند و جوشیدند؟ بدیهی است که وجود این شبکه تبلیغی بود که به این موضوع کمک می‌کرد (همان).

آیت‌الله بروجردی برای پایداری دین اسلام، مبلّغان را به میان مردم می‌فرستاد تا اولاً، تلاشی که در آن زمان برای به انزوا کشیدن روحانیت صورت می‌گرفت، خنثا شود. ثانیاً، روحانیون همچون گذشته در بین توده‌های مردم حضور داشته باشد و به نیازهای دینی و اعتقادی مردم جامعه خود، آشنا باشد (وبگاه تاریخ شفاهی ایران، کد مطلب: ۱۱۶۷).

۲. ایجاد پایگاه روحانیت و علما در شهرستان‌ها

آقای بروجردی اراده و همت خود را به حوزه قم محدود نکرد و به شهرستان‌ها اهتمام داشت. یکی از مشکلات امروز، خالی شدن شهرستان‌ها از شخصیت‌های روحانی است. آقای بروجردی، این مشکل را این‌گونه حل می‌کرد: به علمایی که در شهرستان‌ها هستند، به‌خصوص در مسائل مالی و وجوهات اختیار می‌داد. همچنین، شخصیت‌هایی که دیگر در حوزه قم تأثیری نداشتند و یا اگر داشتند، دیگران می‌توانستند خلأ نبودشان را پُر کنند، به شهرستان‌ها می‌فرستادند. پس، در زمان آقای بروجردی، علمای بزرگی که حتی در حد مرجعیت بودند، در شهرستان‌ها مقیم شدند. ایشان زمانی که افرادی برای دادن وجوهات به نزدشان می‌آمدند، پول را مستقیم نمی‌گرفتند و آنها را به علما و وکلای خود ارجاع می‌دادند. این کار، از موارد دیگری است که باعث می‌شد شخصیت‌ها در شهرستان‌ها ساخته شوند و پس از انقلاب، از برکات وجودشان استفاده بیکران شد.

برای نمونه، روزی یکی از تجار ملایر در زمانی که آقای بروجردی از سوی سید ابوالحسن اصفهانی احتیاط‌ها به ایشان ارجاع داده شد و در بروجرد بود، نزد ایشان می‌رود تا مبلغ ۷۰ هزار تومان وجوهات را تقدیم کند. آقای بروجردی به ایشان می‌گوید که شما این وجوهات را برای من آوردید. پس، آقایانی که در ملایر طلبه و حوزه دارند و مشغول هستند، چه کار کنند؟ گفته بود که آقا من مقلد شما هستم، شما پول را بگیرید، به آنها بدهید. آقای بروجردی گفته بود: نه؛ این درست نیست. من وجوهات شما را قبول کردم؛ اما بروید به ملایر و به آقایان فلانی و فلانی این مبلغ را بدهید. آنگاه آن بازاری گفته بود: پس، می‌برم و می‌گویم حضرت آیت‌الله مرحمت کرده‌اند. بعد آقای بروجردی می‌گوید: نه، اسم من نباشد. گفت: چرا آقا؟ افتخار می‌کنند که پول شما را بگیرند. آقای بروجردی فرموده بود: اگر پول را از طرف من به آنها بدهید، آنها نسبت به من ممنون می‌شوند. من می‌خواهم بدون اسم من، این پول را به آنها بدهید تا احساس کنند در شهری که در حال فعالیت هستند، مردم نسبت به آنها قدردان هستند و اینها را لنگ نمی‌گذارند (مدرسی، ۱۳۸۷).

آقای بروجردی، نه تنها در قم و شهرستان‌های بزرگ، بلکه نسبت به یک آخوند روستا هم این ملاحظات را داشت. فردی از روستا ۲۳ تومان وجوهات برای آقای بروجردی آورد. مرحوم آقای

بروجردی به او گفت: روحانی شما در روستا کیست؟ گفت: آشیخ حسن. ایشان با همین تعبیر گفته بود: عجب؛ آشیخ حسن خودمان؟ حالش چه‌طور است؟ درحالی‌که، اصلاً این روحانی را هم نمی‌شناخت؛ اما از فعالیت‌هایش هم پرسید. سپس، آقای بروجردی پول را گرفت و مبلغی هم روی آن گذاشت و گفت: این را به آشیخ حسن بدهید و از طرف من سلام هم برسانید و بگویید ما دل‌مان برایش تنگ می‌شود، اینجا می‌آید، یک سری هم به ما بزند. این کار، باعث می‌شد تا در نزد مردم روستا، جایگاه آشیخ حسن بالا رود. این سازماندهی‌ای بود که آقای بروجردی در سرتاسر کشور به راه انداخت که از مسائل مالی آغاز می‌شد (همان).

این مسئله، باعث شد تا روحانیت و مرجعیت در هر شهر و روستایی پایگاه داشته باشد. بنابراین، ندایی که از قم برمی‌خیزد، در سراسر ایران لیک‌گو پیدا می‌کند و مردم هم به آن می‌پیوندند. آقای بروجردی نمی‌توانست از این ابزار استفاده کند؛ چراکه خود مؤسس و بنیان‌گذارش بود و هنوز سازمان روحانیت به کمال نرسیده بود. پس از رحلت آقای بروجردی، این مسئله مورد بهره‌برداری قرار گرفت (همان).

۳. ایجاد سیستم وکالت و جمع‌آوری سهم امام

طی سالیان طولانی قبل از مرجعیت آیت‌الله بروجردی، مؤمنان مذهبی ایران، وجوه شرعی خود را برای مراجع نجف ارسال می‌کردند. در دوران تمرکز مرجعیت، آنان غالباً با تعیین نمایندگانی در برخی شهرستان‌ها و مناطق شیعه‌نشین - غالباً جهان اسلام - امر جمع‌آوری وجوه شرعی را تسهیل می‌کردند. البته بسیاری از مؤمنان، از آن جمله: بازرگانان و ملاکین نیز در سفرهای زیارتی عتبات، حضوراً وجوه شرعی خود را پرداخت می‌نمودند؛ اما آیت‌الله بروجردی به این امر توجه خاصی کرد و آن را از نظم و ترتیب برخوردار ساخت؛ به‌گونه‌ای که مراجع بعدی نیز همین روش را اتخاذ کردند.

رویه آیت‌الله بروجردی، این بود که اطلاعات مربوط به هریک از وکلای شهرستان‌ها را به شرح ذیل در دفتری یادداشت می‌کرد: نام وکیل، حدود وکالت، مضمون وکالت‌نامه، محل سکونت وکیل، نام فرد یا افرادی که این وکالت با معرفی و توثیق آنها داده شده است. در همین راستا، همچنین، در دفتر دیگر، نامه‌های رسیده یا ارسالی را با شماره‌نامه و جواب داده‌شده مشخص می‌کرد. این اقدامات، در محیطی انجام می‌گرفت که شعار رایج علما «نظم در

بی‌نظمی) بود و رمز بقای روحانیت را در حساب و کتاب نداشتن می‌دانستند (مطهری، ۱۳۴۱، «مزایا و خدمات مرحوم آیت‌الله بروجردی»، ص ۲۴۹-۲۴۵).

۴. نشر مجلات و کتب با محتوای دینی اسلامی

آیت‌الله العظمی بروجردی، برای ترویج افکار توحیدی مکتب تشیع، ارزش و اعتباری عظیم قائل بود. به همین منظور، از هر تلاشی که در این جهت مقدس قرار داشت، حمایت می‌کرد. نخستین نشریات علمی حوزوی، از جمله نشریه وزین مکتب اسلام که توسط جمعی از فضیلات خوش‌فکر و روشن‌اندیش منتشر می‌شد، از این قبیل بود (وبگاه تاریخ شفاهی ایران، کدمطلب: ۱۱۶۷).

۵. ایجاد ابنیه بزرگ مذهبی و تأسیس کتابخانه‌های بزرگ

یکی از اقدامات تبلیغی آیت‌الله بروجردی، ایجاد بناهای مذهبی و فرهنگی بود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. مسجد اعظم قم؛ ۲. مدرسه کرمانشاه؛ ۳. مسجد بزرگ ایرانشهر؛ ۴. مدرسه و مسجد درود؛ ۵. مسجد صحنه کرمانشاه؛ ۶. مسجد شاهرود؛ ۷. ساختمان مسجد نورآباد لرستان؛ ۸. مسجد سید بروجرد؛ ۹. قبرستان وادی السلام قم؛ ۱۰. مدرسه آیت‌الله بروجردی در قم؛ ۱۱. بیمارستان نکویی قم؛ ۱۲. کتابخانه شخصی آیت‌الله فقیه؛ ۱۳. کتابخانه مسجد اعظم؛ ۱۴. کتابخانه مدرسه کرمانشاه؛ ۱۵. کتابخانه مدرسه جدید الإحداث قم (همان).

رویکرد تبلیغی آیت‌الله بروجردی در عرصه خارجی

حضور و تداوم حیات شیعیان در کشورهای شبه‌قاره هند، حوزه خلیج فارس و سایر کشورهای جهان اسلام و حتی قاره‌های اروپا و آمریکا و آفریقا مستلزم پذیرش مرجعی به عنوان مرجع تقلید را ایجاب می‌نماید. این امر با عنایت به تحولات یکی دو سده اخیر جهانی و موج‌های عظیم مهاجرت انسانی از جمله مهاجرت شیعیان به قاره‌های اروپا و آمریکا از اهمیت خاصی برخوردار است. اهتمام مراجع شیعی ایران، در جهت رسیدگی به امور شیعیان اقصی نقاط جهان منجر به فراهم آمدن زمینه‌های حضور ایران و گسترش قلمرو جغرافیایی در میان مجامع شیعی خواهد شد. که این مسأله از دیدگاه آیت‌الله العظمی بروجردی مغفول نماند. رویکرد آیت‌الله

بروجردی در عرصه تبلیغ خارجی و بین‌الملل شامل بخشهای مختلفی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف. ایجاد زمینه‌های تبلیغی

آیت‌الله العظمی بروجردی در ایجاد زمینه‌های تبلیغی، به اقدامات مختلفی دست زد؛ از جمله:

۱. تمرکز بر وجوه مشترک

آیت‌الله العظمی بروجردی، با تیزبینی بر روی مرجعیت علمی ائمه علیهم‌السلام دست گذاشت؛ زیرا مرجعیت علمی ائمه علیهم‌السلام، موضوعی است که اهل سنت هم آن را باور دارند. پس، از این زاویه وارد شد و تقریب مذاهب را هم از این طریق پیگیری کرد. سید محمدرضا احمدی بروجردی، نوه آیت‌الله العظمی بروجردی، با بیان اینکه مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام مورد اتفاق فریقین است، تصریح کرد: ایشان در این کار موفق شد و نظر شیخ شلتوت را مبنی بر پذیرش شیعه به عنوان یک مذهب به دست آورد و این کار، با پشتوانه علمی صورت گرفت (وبگاه معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کد خبر: ۱۲۸۹۷۹).

۲. تجهیز طلاب به علوم روز و فنون جدید

آیت‌الله بروجردی، آینده مذهب تشیع و حتی حوزه را در تعامل با مناسبات جهانی تعریف می‌کرد. ایشان به خوبی بر این نکته واقف بود که لازمه ارتباط و تماس با سایر نقاط جهان، مجهز شدن به ابزار، علوم و زبان آن ملل می‌باشد. برای این منظور، طلاب سطوح عالی را تشویق می‌کرد که در کنار دروس حوزوی، از علوم و دانش‌های روز نیز بهره ببرند. یکی از شاگردان ایشان نقل می‌کند که وی به همراه جمعی از طلاب قم، به تشویق آیت‌الله بروجردی، برای خواندن دروس غیرحوزوی در طول تعطیلات تابستان، طی چندین سال به تهران عزیمت نمودند و به فراگیری زبان انگلیسی پرداختند. علامه کرباسچیان، یکی از نوگرایان عرصه آموزش دینی که با تأسیس مدرسه علوی و آموزش برخی رشته‌های علمی، از پیشگامان این حوزه بود. وی ارتباطی تنگاتنگ با آیت‌الله بروجردی داشت و از آموزش طلاب حوزه در مدرسه‌اش استقبال می‌کرد (خواججه سروی، ۱۳۸۵، ص ۸۲-۸۳). هدف آیت‌الله از این اقدام، انتخاب و اعزام طلاب مستعد به خارج از کشور بود. همین نکاپوها و ترغیب‌ها، زمینه‌آشنایی تعدادی از علمای فاضل

را با علوم جدید فراهم ساخت که برخی از آنان، برای اعزام به خارج از کشور جهت تبلیغ انتخاب شدند.

ناگفته نماند که این رویکرد آیت‌الله بروجردی در حوزه علمیه قم، با موانع و مشکلاتی مواجه شد؛ چنان‌که بنا به نقلی، گفته می‌شد: طلبه‌ای که در دانشگاه درس می‌خواند، از زیّ طلبگی خارج است. طرفداران این طیف فکری، حتی پا را فراتر گذاشته می‌گفتند: «خواندن روزنامه‌ها» و «فراگرفتن زبان انگلیسی»، کاری مستهجن است (همان، ص ۸۳ و ۹۳)؛ اما چنان‌که ذکر شد، ایشان لحظه‌ای از این رویه خود کوتاه نیامد.

با وجود اینکه ایشان فقیهی بودند که در محیط سنتی و مذهبی بزرگ شده بود، ولی بسیار روشن‌فکر و واقع‌بین و آینده‌نگر بود. مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی در این خصوص می‌گوید:

«ما در همان دوره‌ای که درس فقه و اصول و درس خارج می‌خواندیم، به تشویق آیت‌الله بروجردی برای خواندن درس‌های جدید به تهران آمدم. من و برخی دوستان، تقریباً سه سال تابستان‌ها در تهران به معلومات جدید و زبان خارجی مجهز شدیم و این دوره را به دستور ایشان در مدرسه علوی گذارندیم. آن زمان، آیت‌الله بروجردی با مرحوم علامه کرباسچیان و اشخاصی که در مؤسسه مدرسه علوی بودند، ارتباط داشتند و آنها را تأیید می‌کردند. یکی از دلایل آیت‌الله بروجردی، مبنی بر تشویق ما برای یادگیری فنون جدید این بود که ما باید برای تبلیغ به خارج از کشور برویم. بنابراین، لازم بود با معلوماتی متناسب، از جمله زبان انگلیسی آشنا شویم. در آن زمان، در قم وضعیت به گونه‌ای بود که به هرکس انگلیسی می‌خواند و در صدد یاد گرفتن این زبان بود، می‌گفتند: این، طلبه نیست و از زیّ طلبگی خارج شده و می‌خواهد دانشگاهی بشود؛ اما ایشان به این حرف‌ها گوش نمی‌کرد و اصرار بر این داشت طلبه‌ها برای تبلیغ، باید به خارج بروند و شرط لازم این کار، یادگیری زبان خارجی است که این، نشانه روشن‌بینی ایشان نسبت به گسترش اسلام بود که اسلام نباید فقط در قم و در حوزه‌ها بماند. البته این سخن را حالا که آدم می‌شنود، به نظر چیز مهمی نیست؛ اما آن زمان که زبان انگلیسی خواندن در حوزه مستهجن بود، خیلی مهم بود. ایشان تشویق می‌کردند طلبه‌ها فیزیک، شیمی و درس‌های جدید بخوانند و آماده رفتن به محیط علمی بشوند و حتی در اجرای این نقشه، اقدامات علمی زیادی انجام داد» (وبگاه خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۳۹۹۰۱۱۰۰۰۷۴۰).

۳. نگاه تقریبی در فتاوا

تفکر آقای بروجردی، جامع و بسیار فراتر از زمان خودش بود. اکنون بهتر از آن زمان می‌توان تفکر ایشان را درک کرد. به همین دلیل است که برخی فتاوا از ایشان در آن دوران نقل می‌شود که مثلاً در پاسخ به آقای محقق در مورد حجاب کامل نداشتن برخی زنان در مسجد هامبورگ می‌گوید: اشکال ندارد. یا برخی می‌گویند ایشان در پاسخ به مرحوم شیخ محمدتقی قمی در مورد نجاست اهل کتاب می‌فرمود: اشکالی ندارد. ایشان به ریشه احکام فقهی می‌پرداخت. ایشان به گونه‌ای ریشه‌ای برخورد می‌کرد که راه‌هایی باز می‌شود؛ به عنوان مثال، ایشان در رساله عملیه نوشته که اهل کتاب نجس هستند؛ اما آقای محقق، نماینده آقای بروجردی در مسجد هامبورگ، از ایشان نقل می‌کرد که به بنده گفت: پاک هستند. البته در جامعه ما به دلیل ویژگی‌هایش نمی‌توان هر حرفی را زد. شاید مطرح نکردن برخی نظرات، به این دلیل است (مدرسی، ۱۳۸۷).

ب. اقدامات تبلیغی

مهم‌ترین اقدامات تبلیغی آیت‌الله العظمی بروجردی، عبارت بودند از:

۱. اعزام مبلغ به خارج کشور

آقای بروجردی در اعزام مبلغ به خارج از کشور، خیلی فعال بود. ایشان در مصر، مکه، مدینه و آفریقا نماینده داشت. نماینده ایشان در مدینه، مرحوم آقا سید زین‌العابدین بود و پس از او، مرحوم آقا شیخ عبدالحسین فقیهی رشتی به این کار پرداخت. آقای محقق را به هامبورگ فرستاد و برای حفظ موقعیت آنها سفارش می‌کرد؛ مثلاً آقای محقق به ایشان گفته بود: اگر من بخواهم کنار خیابان بایستم، برای یک روحانی شیعه، سبک است. ایشان هم بلافاصله فرموده بود: شما در آنجا ماشین بخرید و راننده هم بگیرید؛ با اینکه خود آقای بروجردی ماشین نداشت. بعد، آقای محقق گفته بود: ما در آنجا خودمان می‌توانیم رانندگی کنیم و عیبی نیست؛ بلکه اصولاً در آنجا راننده داشتن، غیرعادی است. وقتی آقای محقق به اینجا برگشت، من به دیدن او رفتم و فعالیت‌هایی را که در آنجا با نظر مرحوم آقای بروجردی انجام شده بود، تشریح کرد. در آنجا نشریاتی منتشر می‌کردند و با افرادی که تازه اسلام می‌آوردند، مذاکراتی می‌شد و مسجد نیز می‌ساختند. به مدت کوتاهی، پدر آقای محمدی گلپایگانی رفتند و پس از آنکه آقای بروجردی

فوت کرد، مرحوم آقای بهشتی با نظر آقای خوانساری و آقای شریعتمداری که آنجا را تأمین بودجه می‌کردند، به هامبورگ رفت. آقای بهشتی قبلاً که قم بود، صبح اول وقت در صحن برای عده معدودی «مکاسب» درس می‌داد و سپس، به مدرسه دین و دانش می‌رفت و آنجا را اداره می‌کرد و پس از دستور آقایان، از قم به آلمان هجرت نمود (احمدی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۶).

بنابراین، آیت‌الله بروجردی علاوه بر تبلیغ در داخل کشور، به نشر معارف بلند و تابناک شیعه در خارج از کشور نیز اهمیتی فوق‌العاده می‌داد و نمایندگانی را به اقصی نقاط دنیا روانه می‌کرد؛ از جمله: آقای محقق در هامبورگ آلمان، آقای صدر بلاغی در انگلستان، آقای حاج شیخ مهدی حائری در آمریکا، آقای شریعت در پاکستان، آقای صدر در لبنان و آقای فقیهی در مدینه.

۲. دفاع از اندیشه تقریب

یکی از فعالیت‌های مهم آیت‌الله العظمی بروجردی، دفاع از اندیشه تقریب بود که در این خصوص، اقدامات مختلفی انجام داد:

* ارتباط با شخصیت‌های علمی جهان: آیت‌الله بروجردی در زمینه نشر علوم دینی، اهتمام ویژه‌ای داشت. ایشان از مراجعی بود که تلاش بسیاری کرد تا مبلغانی را در حوزه علمیه پرورش دهد و پیام اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام را در دنیا عرضه کند و خود ایشان نیز در این زمینه پیشگام بود. در زمان آیت‌الله بروجردی، شخصیت‌هایی همانند هانری کربن وارد ایران شدند و به توصیه آیت‌الله بروجردی با علامه طباطبایی به گفت‌وگو پرداخت و حکایت‌هایی چند در این زمینه از آیت‌الله بروجردی و شخصیت‌های علمی جهان ثبت شده است (وبگاه خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۸۱۲۳۵۶).

* بهره‌گیری از ابزار ارتباطی نوین: در یکی دو سده اخیر، با ورود ابزارهای ارتباطی نوین به کشور، این مجال نیز برای نهادهای مذهبی، از جمله مرجعیت فراهم گردید که برای گسترش ارتباط با مقلدان خود، از آن بهره‌برداری نماید. از این‌رو، مرجعیت واحد شیعی در قم، یعنی آیت‌الله بروجردی، توانست به سرعت جوامع شیعی اقصی نقاط جهان را در پیوند با قم قرار دهد. این رویکرد، زمینه‌آشنایی با مناسبات رقیب را فراهم کرد و از تعصبات مذهبی میان نخبگان شیعی کاست و به تعامل بر سایر مذاهب و ادیان منجر شد که از آن جمله، تقریب مذاهب اسلامی در مصر و قبول تشیع به عنوان یکی از ارکان مذهبی بود (روح‌بخش، مرجعیت تشیع و نقش آن در جهان اسلام).

✽ یکسان‌سازی مناسک حج: تقریب مذاهب، اندیشه دیگری بود که جایگاهی بی‌بدیل در گفتمان آیت‌الله بروجردی داشت. یکی از راهکارهایی که وی در این زمینه دنبال می‌کرد، این بود که علما و فقهای شیعه با روایات و مبانی فقهی اهل سنت آشنا شوند و از طرف دیگر، اهل سنت نیز به روایات و فقه شیعه رجوع کنند و از آنها مطلع شوند. علاوه بر این، آیت‌الله بروجردی در این مسیر مصادیق عملی را نیز مدنظر داشت و برای مثال، از ایده یکسان‌سازی حج دفاع می‌کرد و معتقد بود این یکسان‌سازی حج و مناسک آن در میان مسلمانان، می‌تواند نقطه وحدت بین فریقین باشد و سبب گردد مسلمانان در عمل مهم حج هماهنگ شوند و یکسان عمل کنند. آیت‌الله بروجردی به صورت عملیاتی، از نهاد دارالتقریب که آن زمان در مصر حضور داشت و از ایده تقریب دفاع می‌کرد، به صورت مادی و معنوی نیز حمایت می‌کرد.

✽ برگزاری همایش‌های تقریبی: به اذعان شهید مطهری، آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله جداً به ایجاد زمینه‌های تفاهم و وحدت میان تشیع و تسنن - که سال‌ها با کارگردانی جهالت در داخل و تحریکات خارجی، توجه مسلمانان را به امور یکدیگر ضعیف کرده بود، پرداخت (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۲۰۴). آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله، آن قدر به این مهم اصرار داشت که در کشور مصر، همایش تقریب مذاهب برگزار کرد و ۵۰ تن از عالمان سرشناس اهل تسنن را به آن فراخواند.

✽ تأسیس دارالتقریب: در زمانی که استعمار گران به چپاول ملل اسلامی چشم داشتند و اختلاف بین فرق مختلف اسلامی گسترش می‌یافت، وحدت میان مذاهب مختلف اسلامی آرزوی دیرین تمام مصلحان مسلمان بود. تلاش‌های مختلفی نیز برای رسیدن به این هدف بزرگ، صورت می‌گرفت. تأسیس «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه»، از مهم‌ترین و پایدارترین این اقدامات بود.

✽ ارتباط با علمای اهل سنت: آیت‌الله بروجردی به عنوان پناهگاه مسلمانان جهان، به خصوص شیعیان، به همراه بزرگانی چون: شهید محمدباقر صدر، شیخ محمود شلتوت، شیخ عبدالمجید سلیم و محمد عبده، از ایجاد تفرقه جلوگیری می‌کردند. ایشان معتقد بود که در قرآن، سنت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، سیره اهل بیت علیهم‌السلام و مشی علمای سلف، می‌توان موارد بسیاری را یافت که در آنها به نقش تقریب مذاهب و جلوگیری از تفرقه، تأکید شده است. راه‌های دستیابی به وحدت از

دیدگاه ایشان، پیوند علمای اسلام، احیای شخصیت‌های اسلامی، وجود دشمن مشترک برای مسلمانان و احترام متقابل فرقه‌های اسلامی به یکدیگر بود. علاوه بر اینها، آیت‌الله بروجردی تقریب مذاهب اسلامی را فرصتی برای معرفی شیعه و ارائه معارف شیعی به جهان تسنن می‌دانست.

۳. اهتمام جدی به نشر آثار شیعی و تأسیس کتابخانه‌های بزرگ در جهان

نکته دیگری که می‌توان از زندگانی آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله علیه به آن اشاره کرد، اهتمام جدی معظم‌له به نشر آثار شیعیان بود. در زمان ایشان بود که کتب شیعه رونق گرفت؛ چراکه کتاب‌های بسیاری چاپ شد و اصلاً باید گفت که نهضت چاپ، به برکت ایشان در حوزه علمیه قم اتفاق افتاد. البته باید یادآوری کرد آن مرجع فقید، در طول ۱۵ سالی که در قم به عنوان مرجعیت مطلقه حضور داشت، با وجودی که کتاب‌های بسیاری را چاپ نمود، اما کتاب‌های خود را هرگز چاپ نکرد. اهتمام ایشان بیش از همه، به کتاب‌های قدمای شیعه بود.

یکی از اقدامات تبلیغی آیت‌الله بروجردی، ایجاد بناهای مذهبی و فرهنگی بود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ۱. مدرسه نجف؛ ۲. مدرسه کربلا؛ ۳. مسجد بغداد؛ ۴. بیمارستان نجف؛ ۵. حسینیه و حمام سامرا؛ ۶. مدرسه بقعه کربلا؛ ۷. مسجد بزرگ و زیبای طرابلس لبنان؛ ۸. چهار مسجد بزرگ در آفریقا؛ ۹. مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ آلمان؛ ۱۰. کتابخانه مدرسه نجف (وبگاه تاریخ شفاهی ایران، کد مطلب: ۱۱۶۷).

۴. اعزام نمایندگان ثابت و دائمی به برخی کشورها

یکی از اقدامات عمده آیت‌الله بروجردی، اعزام نمایندگان ثابت و غالباً دائمی، به برخی کشورهای جهان جهت رسیدگی به امور شیعیان و پاسخگویی به مسائل شرعی آنان بود. این نوع اقدامات، در زمان مراجع سلف مورد توجه قرار نمی‌گرفت. آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی که نمایندگانی به مناطق شیعه‌نشین هندوستان، مسقط و زنگبار گسیل داشت، به طور موقت و به مناسبت‌های خاص بود؛ در حالی که برنامه‌های آیت‌الله بروجردی، بلندمدت و ساختارمند انجام می‌گرفت.

✽ اعزام نمایندگان خود به آلمان

نمایندگان آیت‌الله بروجردی در هامبورگ، به ترتیب: آیت‌الله میرزا ابوالقاسم

محمدی گلپایگانی و شیخ محمد محقق لاهیجانی (مسلط به دوزبان انگلیسی و آلمانی) بودند که از طرف ایشان برای تبلیغ به آلمان اعزام شده بودند.

✽ اعزام دکتر مهدی حائری یزدی به آمریکا

دکتر مهدی حائری یزدی، فرزند مؤسس حوزه علمیه قم بود. دکتر حائری موفق شد با کمک مالی آیت‌الله و یاری جمعی از دانشجویان، انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا را تشکیل داده و همچنین، با راه‌اندازی یک انتشارات و چاپ و پخش جزوه‌های دینی، آموزه‌هایی از احکام را در موضوعات: اخلاق و مذهب و گاه در قالب پاسخ به سؤالات دانشجویان، تبلیغ نماید (لاجوردی، ۱۳۸۲، ص ۲۸، ۳۹ و ۴۱).

✽ انتخاب آیت‌الله شیخ محمدتقی قمی در مصر به عنوان نماینده خود و حمایت از دارالتقرب

آیت‌الله شیخ محمدتقی قمی، از علمای متفکری بود که از سال ۱۳۱۷ش به منظور نزدیکی هرچه بیشتر مذاهب اسلام به قاهره (مرکز بزرگ علمی اهل سنت) مهاجرت نمود. طی سال‌ها اقامت در مصر، ضمن تدریس زبان و ادبیات فارسی به دانشجویان الأزهر، تلاش‌های فراوانی برای معرفی تشیع به رؤسا و علمای آنجا نمود. بر اثر کوشش‌های وی و برخی علمای دیگر اهل تشیع و سنت، در نهایت، سال ۱۳۲۷ش «دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه» تأسیس شد. آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله شیخ محمدتقی قمی را نیز به عنوان نماینده خود در مصر و دارالتقرب تأیید کرد و به واسطه ایشان، مکاتبات چندی با شیوخ وقت الأزهر انجام داد؛ به گونه‌ای که به طور مرتب، جریانات و مذاکرات دارالتقرب را از طریق آیت‌الله قمی جویا می‌شد (معادیخواه، ۱۳۸۴، ص ۱۷۳).

✽ قصد اعزام شیخ محمدتقی فلسفی، واعظ شهیر به آمریکا

بر اساس نامه‌ای از فلسفی به سفیر آمریکا در تهران که در آن درخواست ایجاد تسهیلاتی برای عزیمت ایشان به آمریکا به عنوان نماینده آیت‌الله بروجردی ارسال شده، می‌گوید: «[آیت‌الله بروجردی] مرا برای این منظور در نظر گرفته، امر فرمودند: سفری به کشور آمریکا نمایم» (آرشو مرکز اسناد نخست وزیری، ش ۱۴۲۶۹). البته به دلایل نامعلومی، این سفر تحقق نیافت.

✽ برنامه اعزام ثقه‌الإسلام سید نورالدین طاهری به آفریقا

ثقه‌الإسلام سید نورالدین طاهری، به عنوان نماینده آیت‌الله بروجردی، در معیت عده‌ای

زائران آفریقایی عتبات عالیات به زنگبار عزیمت داشت (آرشیو مرکز اسناد نخست‌وزیری، ش ۲۵۲۳۴).

✽ درخواست اعزام آقای سید جمال‌الدین حائری‌زاده گلپایگانی به اندونزی

سید جمال‌الدین حائری‌زاده گلپایگانی، ضمن اشاره به بازدید خود از دیدار مدارس علویان اندونزی و استقبال گرم سران «انجمن الربطة العلویة»، درخواست آنها برای اعزاز نماینده را چنین نقل می‌کند:

«همان‌طور که حضرت آیت‌الله بروجردی در این ده سال نمایندگانی به مدینه، پاکستان، هندوستان، آلمان غربی و فرانسه اعزام نمودند، آقای سید جمال‌الدین حائری‌زاده گلپایگانی را نیز به این حدود اعزام فرمایند» (آرشیو مرکز اسناد نخست‌وزیری، ش ۲۷۸۵۶).

✽ دعوت «اداره روحانی مسلمانان ماوراء قفقاز» از آیت‌الله بروجردی جهت سفر به آن منطقه

این درخواست که به منظور آشنایی آیت‌الله بروجردی و همراهان «با امور مذهبی مسلمانان در اتحاد شوروی و آثار تاریخی اسلامی» آن کشور مطرح شد، به علت «ضعف پیری و مشاغل کثیره» آیت‌الله بروجردی، امکان تحقق نیافت (آرشیو مرکز اسناد نخست‌وزیری، ش ۲۷۷۸۹).

آثار تبلیغ دینی در عصر آیت‌الله بروجردی

از مهم‌ترین آثار اقدامات تبلیغی آیت‌الله بروجردی، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. احیا و اقتدار حوزه علمیه و متمرکز نمودن نهاد مرجعیت

اقدامات آیت‌الله بروجردی، نهاد مرجعیت تشیع را که تا قبل از آن در اثر اقدامات رضاخان پراکنده و ضعیف بود، در ایران متمرکز و پُر قدرت نمود (طباطبایی، ۱۳۴۱، ص ۶۶).

آیت‌الله بروجردی، در جلوگیری از انحلال حوزه و کمک به تداوم و اقتدار آن کوشید. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، دو اصل اتحاد شیعیان در تقلید از یک مرجع دینی و گسترش نفوذ مقام مرجعیت ساکن ایران به خارج از مرزهای کشور را از جمله نمونه‌های بارز آثار زعامت ۱۵ ساله معظم‌له شمرده است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۵).

بررسی مجموعه اقدامات آیت‌الله بروجردی در دوران زعامت شیعیان و ریاست حوزه علمیه قم، نشان می‌دهد که ایشان با تدابیر خاص خود، در احیای آن حوزه اهتمام ورزید؛ به طوری که

در مدتی کوتاه حوزه علمیه قم را به عنوان مرکز ثقل حوزه‌های علمیه در کشور قرار داد و به تدریج با احداث و احیای برخی حوزه‌های علمیه در شهرستان‌ها و پرداخت شهریه به طلاب آنها، موفق شد همه آنان را در پیوند با حوزه قم سامان بخشد. تعیین نمایندگانی در شهرستان به منظور جمع‌آوری وجوه شرعی و پاسخ به سؤالات شرعی مؤمنان مذهبی، گام دیگری در راستای تعمیق آموزه‌های دینی در گستره جغرافیایی ایران و شیعیان اقصی نقاط کشور با مرکزیت حوزه قم بود. بالأخره با اعزام نمایندگانی به برخی کشورهای جهان، حوزه این تعامل را از داخل به خارج از کشور گسترش داد و سعی کرد مناطق شیعه‌نشین جهان را تحت قلمرو ایران شیعی مورد حمایت معنوی و تبلیغی قرار دهد. این اقدام او، به تعامل با اندیشه‌های رقیب و ایجاد فضایی از تسامح مذهبی انجامید.

۲. زمینه‌سازی نهضت امام خمینی علیه السلام

اقدامات زیربنایی و تلاش‌های اصولی آیت‌الله بروجردی در تقویت و تنظیم امور حوزه‌های علوم دینی در جهان تشیع و تربیت شاگردان بزرگ و تحکیم وحدت با سایر فرق، زمینه کاملاً مساعدی را در داخل و خارج از کشور برای نهضت امام خمینی در دوره بعد فراهم نمود (کجباف و علی‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۴).

۳. پذیرش شیعه به عنوان مذهب رسمی

تقریب ایشان، بر اساس و محور اهل‌بیت علیهم السلام است و این تفکر، از جانب بزرگان اهل تسنن در زمان ایشان مثل مرحوم شیخ محمود شلتوت، رئیس وقت جامع الأزهر مصر که بزرگ‌ترین مقام علمی تسنن در عصر خود بود، پذیرفته شد و آن فتوای معروف، صادر گردید. شیخ محمود شلتوت، در فتوای خود اعلام کرد: عمل کردن به مذهب امامی اثنی‌عشری در اصول و فروع، مجزی است. آقای بروجردی در بحث تقریب به چیزی دست یافت که ۱۳۰۰ سال شیعه به دنبال آن بود؛ رسمی شدن مذهب شیعه. در بحث تقریب، شیعه در الأزهر احترام خاصی یافت و چندین کتاب اساسی شیعه، از سوی آنان چاپ شد؛ حتی در آن زمان در قانون مدنی مصر، در بحث ارث به فقه شیعه مراجعه کردند و آن را بر فقه اهل تسنن ترجیح دادند. آقای بروجردی در این مسیر، با تدروی بی‌جا و ایجاد حساسیت برای اهل تسنن، به شدت مخالف بود. البته در آن

زمان هم برخی بودند که به دلیل این مواضع آقای بروجردی، به ایشان بد می‌گفتند. برخی گفته بودند که ایشان امام صادق علیه السلام را در حدّ ابوحنیفه می‌دانست؛ در حالی که آقای بروجردی، چنین سخنی را نگفته است. ایشان در درس خود فرموده بود: ای کاش! اهل تسنن برای امام صادق علیه السلام، مقامی در حدّ ابوحنیفه برای نقل سنت نبوی قائل بودند. ایشان به مقامات ائمه قائل بودند. ایشان فقط معتقد بودند که نباید فریاد بزنیم؛ وگرنه وقتی ما به بحث خلافت معتقدیم، کسی که خلافت را از بین برده، حکمش معلوم است؛ اما آیا باید تعصب را در میان آنان دامن زد؟ (مدرسی، ۱۳۸۷)

اصرار روی همین اعتقادات آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته الله بود که باعث شد شیخ شلتوت که بنیان‌گذار دانشگاه الأزهر مصر است، فتوایی تاریخی را صادر کند و بر مقبولیت عمل شیعیان صحه بگذارد. تمام اینها نشان از آن دارد که افق دید آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته الله، بسیار جلوتر از زمان خودش بود. شیخ شلتوت فتوا می‌دهد که عمل کردن به فقه جعفری مجاز است و آیت‌الله بروجردی در این باره می‌گفت که آرزوی ائمه اطهار پس از صدها سال محقق شد و من در قیامت، این کار خود را به مادرم حضرت زهرا علیها السلام عرضه خواهم کرد.

۴. ارتقای جایگاه آیت‌الله بروجردی و مرجعیت شیعه نزد علمای اهل سنت

شیخ محمد سلیم، یکی از علمای الأزهر نامه آیت‌الله بروجردی را می‌بوسید و بر روی چشمان خود می‌گذاشت و در همایش «الإمامان شلتوت و بروجردی» بیش از شیعیان در باره ایشان سخنرانی کرد. این امر، نشان داد که جایگاه ایشان نزد اهل سنت، بسیار بالاست و برادران ما در دیگر مذاهب، شیفته ایشان هستند. آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته الله، هنوز هم در کشور مصر و دانشگاه الأزهر مصر، بسیار مقام‌والایی دارد؛ چراکه آنها مجذوب شخصیت وی شدند و حتی کتاب‌هایی را نیز در این زمینه نوشته‌اند. همچنین، در کنگره شیخ شلتوت که در دانشگاه الأزهر مصر برگزار شد، این قدر که آنها از آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته الله تعریف و تمجید نمودند، شیعیان تا کنون تعریف نکرده‌اند.

نتیجه

آیت‌الله بروجردی، از چهره‌های بارز تاریخ معاصر ایران است که نقش بارزی در احیای

حوزه‌های علمیه پس از رحلت آیت‌الله حائری داشت. شاید بتوان سیاست را امری عارضی در گفتمان آیت‌الله بروجردی دانست؛ اما این مسئله هیچ‌گاه به معنای ضدّ سیاسی بودن آیت‌الله نبود و وی همواره از ایده پیوستگی سیاست و دیانت دفاع می‌کرد؛ علاوه بر این، به دلیل مواضع فرهنگی، دغدغه وحدت میان مسلمانان و همچنین ضرورت پرداختن طلاب و حوزه‌های علمیه به مسائل علمی نیز زبان‌زد بود.

مناظرات و مباحثات و گفت‌وگوهایی که آیت‌الله بروجردی با شیخ محمود شلطوط داشت، در تاریخ ثبت شده است. نگاه ایشان، جهانی بود و از همین رو، تبلیغ و رساندن پیام اسلام به کلّ جهان را وظیفه و رسالت اصلی خویش می‌دانست. قطعاً کسانی که پیام‌های الهی را تبلیغ می‌کنند، از جایگاه بالایی برخوردارند. آیت‌الله بروجردی بر این مسئله تأکید داشت و نشر معارف دینی را یکی از وظایف اصلی خویش می‌دانست.

آیت‌الله بروجردی وقتی وارد قم شد، کلاً حوزه قم حدود هفتصد طلبه داشت که فقیرانه زندگی می‌کردند و با مشکلاتی چند روبه‌رو بودند. طیّ حدود شانزده سال، طلبه‌های قم را به هفت هزار نفر ارتقا بخشید و در بین اینان، دانشمندان، فقیهان، مفسران و نویسندگان بسیاری تربیت شدند. کم‌کم خیر کثیر وجودش به سوی حوزه‌های دیگر ایران هم جاری شد. سپس، حوزه‌های اهل سنت نیز اندک‌اندک از وجود این خیر کثیر الهی آگاهی پیدا کردند و مشتاقانه با ایشان رابطه برقرار نمودند. این رابطه، در نهایت منجر شد که مرجع بزرگ اهل سنت فتوا دهد و بگوید مردم مسلمان معنا ندارد که ملزم به چهار مذهب باشند و بعد می‌گویند: بر همه مسلمانان جایز است که در کلّ عبادات و معاملاتشان، از فقه آل‌محمد پیروی کنند. این یک شعاع از خیر کثیر وجود آیت‌الله بروجردی است که موجش از کشورهای اسلامی هم گذشت و کم‌کم وارد آمریکا و اروپا شد.

بدین سان، آیت‌الله بروجردی نشان داد که مذهب تشیع و نهاد مرجعیت، ابعاد گسترده‌ای از حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و غیره را پوشش می‌دهد که در صورت مدیریت مدبرانه می‌تواند این ابعاد را فعلیت بخشد و زمینه گسترش قلمرو فرهنگی ایران را در لوای تبلیغ تشیع فراهم کند. مراجع شیعی ایرانی، در جایگاه نگاهبانان این مذهب، با سازوکارهایی از جمله: گسترش حوزه جغرافیایی مقلدان خود در مناطق شیعه‌نشین نقاط مختلف جهان، احداث مدارس دینی و

خدمات عام‌المنفعه و نیز اعزام هیئت‌های تبلیغی، می‌توانند حوزه قلمرو ایران شیعی را گسترش دهند.

در مجموع، مرحوم آیت‌الله العظمی بروجری، چالش‌های تبلیغ را فهمیده بود. از این رو، مبلغان را به نقاط مختلف کشور اعزام می‌کرد و حتی دغدغه تبلیغات خارج از کشور را داشت که در این مورد، عمر شریف ایشان کفاف نداد و نتوانست این بخش را نیز از نظر خویش تقویت کند؛ اما در همان سال‌های آخر عمر خویش، مسجدی در هامبورگ آلمان ساخت که امروزه قطب تبلیغ شیعه و نماد تشیع در اروپاست و جزء آثار تاریخی هامبورگ است که سالانه حدود ۲۵۰ هزار نفر بازدیدکننده دارد. در آمریکا و انگلیس نیز محلی را برای شیعیان بنیان گذاشت که با رحلت ایشان، به انجام نرسید.

گسترش قلمرو تشیع، به منابع رسانه‌ای و تبلیغی دولتی محدود نیست؛ بلکه این نهاد مرجعیت است که از ظرفیت بالقوه برای این منظور برخوردار است و می‌تواند فارغ از مناسبات رسمی دولتی و بین‌المللی، با مدیریت و تدبیر درست، زمینه‌های گسترش تشیع را فراهم سازد و شیعیان را در پیوند با مرجعیت، مورد حمایت معنوی و فکری قرار دهد.

این رویکرد در جهان امروز با گسترش سازوکارهای ارتباطی جدید، از قبیل: اینترنت، ماهوار و نشریات، می‌تواند بیش از پیش امکان تبلیغ و نفوذ تشیع را به هر مکانی که پای این رسانه‌های مدرن رسیده، باز کند؛ به شرط اینکه استقلال و حریت این نهاد حفظ شود تا بتواند به عنوان یک راهبرد شیعی، در دهه پنجم انقلاب مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

الف. کتاب و مقاله

۱. قرآن کریم.
۲. آرشیو مرکز اسناد نخست وزیری، شماره پرونده ۱۴۲۶۹.
۳. _____، شماره پرونده ۲۵۲۳۴.
۴. _____، شماره پرونده ۲۷۷۸۹.
۵. _____، شماره پرونده ۲۷۸۵۶.
۶. احمدی، مجتبی و دیگران، ۱۳۷۹، چشم و چراغ مرجعیت: مصاحبه‌های ویژه مجله حوزه با شاگردان آیت‌الله بروجردی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۷. احمدی، محمدرضا، ۱۳۸۱، خاطرات آیت‌الله محمد علی گرامی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۸. الگار، حامد، ۱۳۹۶، دین و دولت در ایران: نقش علمادر دوره قاجار، ترجمه: ابوالقاسم سرّی، تهران، توس.
۹. بُدلا، حسین، ۱۳۸۷، هفتاد سال خاطره از آیت‌الله سید حسین بُدلا، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. حائری، عبدالهادی، ۱۳۶۴، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، امیرکبیر.
۱۱. خمینی، سید احمد، ۱۳۸۳، دلیل آفتاب: خاطرات یادگار امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. خواجه سروری، غلامرضا، ۱۳۸۵، خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۳. روح‌بخش، رحیم، «مرجعیت تشیع و نقش آن در جهان اسلام»، به نقل از وبگاه: آیت‌الله علوی بروجردی، نشانی: alaviboroujerdi.ir
۱۴. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۴۱، خاطرات و زندگانی آیت‌الله العظمی بروجردی، تهران، انتشارات اطلاعات.
۱۵. عنایت، حمید، ۱۳۷۲، اندیشه‌های سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه: بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی.

۱۶. کجباف، علی اکبر؛ مهرعلی زاده، مهدی، ۱۳۸۷، «جایگاه و نقش آیت الله بروجردی در تحولات فرهنگی»، پژوهشنامه تاریخی انقلاب اسلامی، زمستان، شماره ۱۵.
۱۷. لاجوردی، حبیب، ۱۳۸۲، خاطرات دکتر مهدی حائری یزدی: استاد فلسفه و فرزند بنیانگذار حوزه علمیه قم، تهران، کتاب نادر.
۱۸. لک علی آبادی، محمد، ۱۳۷۸، الگوی زعامت، قم، عصمت.
۱۹. مدرسی، فرید، ۱۳۸۷، «یادنامه آیت الله بروجردی»، شهروند، فروردین، شماره ۴۲.
۲۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۴۱، «مشکل اساسی در سازمان روحانیت»، از کتاب: بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۱. _____، ۱۳۴۱، «مزایا و خدمات مرحوم آیت الله بروجردی»، از کتاب: بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۲. _____، ۱۳۶۱، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات اسلامی.
۲۳. معادینخواه، عبدالمجید، ۱۳۸۴، جام شکسته: خاطرات حجت الاسلام معادینخواه، ج ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۴. منظور الأجداد، محمدحسین، ۱۳۷۹، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست (اسناد و گزارش هایی از آیات عظام: نائینی، اصفهانی، قمی حائری و بروجردی: ۱۲۹۲-۱۳۳۹ش)، تهران، شیرازه.
۲۵. مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، «گاه شمار زندگی آیت الله العظمی بروجردی»، نشانی: psri.ir
۲۶. موگهی، عبدالرحیم، ۱۳۷۷، روش فیش برداری و دسته بندی مطالب.
۲۷. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، ۱۳۷۶، هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، ج ۱، چاپ اول، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب.

ب. وبگاه

۱. بلاغ، کد خبر ۷۹۱۱، تاریخ خبر: ۱۳۹۵/۱۰/۱۲، نشانی: balagh.ir/content/7911
۲. پژوهشکده تاریخ معاصر، کد مطلب: ۸۰۴۳، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۰۵/۲۵، نشانی: iichs.ir/fa/news/8043
۳. تاریخ شفاهی ایران، نشانی: oral-history.ir/?page=post&id=1167
۴. تقریب، کد مطلب: ۲۷۴۰۹۴، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۰۴/۱۵، نشانی: taghribnews.com/fa/note/274094

۵. خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۸۱۲۳۵۶، تاریخ خبر: ۱۳۹۴/۰۵/۰۶، نشانی:

tasnimnews.com/fa/news

۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، کد خبر: ۸۴۲۷۸۵۰۹، تاریخ خبر: ۱۴۰۰/۰۱/۱۰، نشانی:

irna.ir/news/84278509

۷. خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۳۹۹۰۱۱۰۰۰۰۷۴۰، تاریخ خبر: ۱۳۹۹/۰۱/۱۱، نشانی:

farsnews.ir/news/13990110000740

۸. خبرگزاری فارس، کد خبر: ۲۲۵۸، تاریخ خبر: ۹۵/۰۳/۲۲، نشانی:

farsnews.ir/news/13950316001456

۹. معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کد خبر: ۱۲۸۹۷۹، تاریخ خبر:

۱۳۹۳/۰۵/۲۰، نشانی:

qia.farhang.gov.ir/fa/news/128979